



رهبانیت

از نظر عقل و فطرت

۲۶ - ولقد ارسلنا نوحاً و ابراهیم وجعلنا فی ذریتهما النبوة
والکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون

، ما نوح و ابراهیم را (برای هدایت مردم) اعزام کردیم و در میان فرزندان آنها نبوت و کتاب قرار دادیم (از آنها پیامبرانی که دارای کتاب بودند بر - انکیختیم) دسته‌ای از آنها هدایت یافته و بسیاری از آنها گنهگار بودند .

۲۷ - ثم قفینا علی آثارهم برسائنا و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه

الانجیل وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافة و رحمة و رهبانیه
ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله فمارعوها حق

رعایتها فاتینا الذین آمنوا منهم اجرهم و کثیر منهم فاسقون

سپس پیامبرانی را به دنبال آنها فرستادیم ، و عیسی بن مریم را پیرو آنها بر انکیختیم ، و انجیل را بر او نازل کردیم و در دل پیروان (واقعی) وی رأفت و رحمت قرار دادیم ، و برای بدست آوردن رضایت خدا ، رهبانیتی ، را که مقرر ساخته بودیم ، پیشه خود قرار دادند ولی حدود و شرائط آن را مراعات نکردند و به افراد با ایمان از آنها اجر دادیم . و بسیاری از آنها گنهگار بودند .

* * *

از دلایل روشن حقانیت آئین اسلام اینست که تمام دستورات آن بر اساس فطرت انسانی گذارده شده است ؛ و در این آئین پاک و جامع ، حکمی بر خلاف فطرت وجود ندارد ، و بر این مبنا اسلام اجازه داده است که انسان به غرائز مختلف خود مانده غریزه جنسی ، مقام و منصب خواهی مال و ثروت طلبی ، تفریح و ورزش و سرگرمی ، پاسخ مثبت بگوید ، و همه میل‌های باطن بشر را بایک سلسله قوانین و شرائط تعدیل کرده و از افراط و تفریط جلوگیری نموده است از آنجا که

انسان در اشباع غرائز خود حدود مرزی را نمی‌شناسد ، نقش پیامبران ایست که آنها را بطرز صحیحی رهبری نموده و انسان را از افراط و تفریط بازدارند .
 رمز بقاء و ابدیت آئین اسلام همین هماهنگی دستگاه آفرینش و فطرت با تشریح و قانون گذاری اسلام است و ضامن ابدیت و پایداری آن همین میباشد و بس و هر آئینی که برخلاف میل طبیعی و فطرت انسانی باشد ، مانند شنا بر خلاف مسیر آب است ، که پس از اندکی بشکست عملی روبرو میگردد .

رهبانیت در اسلام ممنوع است

رهبانیت یکسنت خارجی است که قرن‌ها است در میان مسیحیان بوجود آمده و رهبانان تارکان دنیا بودند که دست از زندگی کشیده ، وبه کوه‌ها و غارها پناه برده و جان و جسم را با اصطلاح وقف بر طاعت میکردند ، و در تمام عمر از ازدواج ممنوع بودند البته این سنت از نظر کمی و زیادی شرائط صورت‌های گوناگونی داشت ، و فرقه‌های رهبانان از نظر شدت اجتناب از لذائذ به دسته‌های زیادی تقسیم میشدند ، دسته‌های افراطی که هر فردی از آنها در حجره‌ای جداگانه زندگی میکرد . بانان و شیره و گاهی گیاهان تغذیه مینمود . از موی اسب جامه‌هایی بر تن میکرد و تقریباً بطور دائم لب از تکلم فرومی‌بست ؛ این قبیل رهبانان هفته‌ای سه بار بر آعشای ربانی و ادعیه نیم شب دو روم جمع میشدند ، و روزهای یکشنبه و ایام عید مهر خاموشی را شکسته ، واز قید گوشه نشینی درآمده و بگه‌تگو و صرف خوراک دسته جمعی میپرداختند ، و این دسته از همه فرقه‌ها ریاضت کش تر بود روی این علل بود که « شو الیه » از زندگی رهبانی دست کشید و گفت من از شپش جامه رهبانی میترسیدم زیرا جامه‌های پشمین ما پناه گاه شپش‌های فراوان بود (۱)
 مسأله رهبانیت بموازات اصلاح کلیساها در طی قرون اصلاحاتی پیدا کرد ، و از شرائط سنگین آن بحد قابل ملاحظه‌ای کاسته شد ، و دیرها و صومعه‌ها در برخی از نقاط بصورت مراکز خدمات اجتماعی درآمده است ، با اینهمه ترك ازدواج و چشم پوشی از بعضی لذائذ حلال ، رکن مهم آن بشمار میرود . فائده اعظم اسلام برای ابطال اینگونه نظامات باطل صرفاً فرموده ، **لارهبانیه فی الاسلام** ؛ در آئین اسلام رهبانیت تشریح نشده است . زیرا رهبانیت جان و جسم را فرسوده نموده ، و نسل و تمدن را بفنا و نابودی تهدید مینماید ، زیرا تعطیل قوای جنسی و چشم پوشی از لذائذ حلال ؛ مبارزه با فطرت انسانی است و اگر همه مردم از این شیوه ناپسندیده پیروی نمایند ، شیرازه تمدن از هم میگسلد ، و اگر اصلاحات اخیر درباره دیر نشینان مسیحیان بوجود نیامده بود این وضع رسوا و مفتضحانه بزرگترین حربه در دست مخالفان کلیسا و آئین مسیح بود ، ولی با آنهمه اصلاحات ، اساس کار آنها در ترك ازدواج و چشم پوشی از لذائذ میباشد که برخلاف فطرت انسانی است .

روزی که آیه و من یتق الله يجعل له ، خیر جا و یرزقه من حیث لایحتسب (سوره طلاق

۲-) هر کسی از نا فرمانی خدا بپرهیزد خداوند برای او راه نجات قرار داده ؛ و از آنجا که هرگز فکر

(۱) بتاریخ ویل دورانج ۱۱ صفحات ۴۰۶-۴۰۱ مراجعه شود

نمی‌کرد و بحساب نمی‌آورد؛ روزی می‌دهد) دسته‌ای از یاران پیامبر درها را بروی خود بسته، و از کار و فعالیت دست کشیده و مشغول عبادت شدند و منطق آنها این بود: **قد کفینا**، یعنی این آیه در باره ما کافست و خدا روزی ما را بر عهده گرفته است پیامبر اکرم از این انحراف آگاه شد و کسی را فرستاد که علت چیست آنها دست از کار کشیده‌اند، و جان و جسم را وقف عبادت نموده‌اند آنها پاسخ دادند که خداوند وسیله آیه فوق، متکفل روزی آنها شده و ما فعلا کاری جز عبادت نداریم، پیامبر جواب داد، که بپراهمه رفته‌اید، و خدادعاهای شما مستجاب نخواهد نمود، و او روزی شما را در گرو فعالیت قرار داده و از این راه ضامن شده است (۱)

از کلمات ارزنده امیر مؤمنان اینست که فرمود: **للمؤمن ثلاث ساعات: فساعة ينجي فيها ربه وساعة يرمم معاشه وساعة يخلق بين نفسه وبين اذنيه افيما يحل ويجمل (۲)** یعنی مرد با ایمان باید زندگانی شبانه روزی خود را سه قسم کند، يك قسمت با خدای خود مناجات کند، و بعبادت او بپردازد، و يك قسمت دنبال زندگی و کسب و کار برود، و در قسمت سوم به لذایذ حلال که روح و روان را صفا میبخشد، بپردازد، سپس میفرماید مرد خردمند را باید در یکی از سه حالات دید؛ یا در حال کسب و کار و یا موقعی که قدمی بسوی آخرت بر میدارد و یا دنبال لذتی می‌رود که حلال است.

امیر مؤمنان راهب را اندرز می‌دهد

پس از پایان جنگ جمل؛ علی در بصره بیدن یکی از یاراناش بنام «علاء بن زیاد» رفت و از خانه مجلل و وسیع او دیدن بهمل آورد، و فرمود: تو در آخرت باین محتاج تر هستی ولی تو میتوانی وسیله همین خانه در دنیا خانه وسیعی در آخرت کسب کنی، و در این خانه از همان، پذیرائی نمائی، و صلح رحم کنی، و حقوق مسلمانان را در این خانه آشکار سازی.

در این لحظه علاء عرض کرد من از برادرم «عاصم» شکایت دارم زیرا، تارک دنیا شده و جامه کهنه پوشیده، و گوشه گیر و منزوی شده همه چیز و همه کس را ترک کرده است، علی دستور داد او را احضار کنند، سپس با او فرمود: ای دشمن جان خود، شیطان عقل ترا ربوده است، چرا بزن و فرزند خویش رحم نکردی؟ آیا تو خیال میکنی که خدائی که نعمتهای پاکیزه دنیا را برای تو حلال و روا ساخته، اگر از آنها بهره خود را بگیری، بر تو خشم میکند؟ تو در نزد خدا کوچکتر از این هستی (۳)

مردی شرفیاب محضر پیامبر گردید؛ قدرسا و اندام موزون او توجه پیامبر را جلب کرد؛ فرمود: کار تو چیست؟ عرض کرد بیکارم، فرمود: در نظرم فوق العاده کوچک شدی.

(۲) نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۳۹۰

(۱) نور الثقلین ج ۵ ص ۳۵۵

(۳) نهج البلاغه خطبه ۲۰۷

امیره و مغان وارد کوفه شد دید دسته‌ای در گوشه مسجد نشسته‌اند ، از ملازمان پرسید اینها کیستند ، گفته شد « رجال الحق » میباشند اگر کسی لقمه‌ای بدهد میخورند و الا صبر می- نمایند ، فرمود : سگهای بازار کوفه هم همین طورند اگر کسی استخوانی دهد میخورند و الا راه صبر و شکیبائی پیش میگیرند ، سپس دستور داد حلقه‌ها بشکنند و دنبال کار بروند .

خلاصه رهبانیت به صورتی باشد ، و به رنگی در آید از آنجا که بر خلاف فطرت و مصالح انسانی است ، نمیتواند یک سنت صحیح عقلی باشد اکنون برای توضیح بیشتر داستان زیر را از زبان یک مورخ بزرگ مغرب زمین بشنوید :

رهبانان که هنگام ورود بحلقه دیر نشینان متعهد میشدند مجرد بمانند ، قدرت غریزه جنسی را که بر اثر دیدن زنان و مردان متأهل روحانی کرا را ، به جنبش درمیآورد ، دست کم گرفته بودند . روزی رئیس دیری باتفاق رهبان جوانی سوار بر مرکب شدند ، و از دیر بیرون رفتند ، جوان که برای نخستین بار زنهارا بچشم میدید ، پرسید اینها چه چیزند ؟ رئیس دیر پاسخ داد « اینها شیاطین اند » راهب جوان گفت : اینها زیباترین موجوداتی بنظم آمد که هرگز بچشم ندیده‌ام (۱)

آیا رهبانیت در آئین مسیح ریشه صحیحی دارد؟!

آئین فعلی مسیح با رهبانیت آمیخته است ، و در اعصار اخیر از شرائط سنگین آن کاسته شده و بایک سلسله خدمات اجتماعی آمیخته گردیده است ، ولی قرآن معتقد است ، که مسئله رهبانیت از آن پیرایه هائی است که بعدها به آئین مسیح بسته شده است ، و این مطلب را با جمله « ما کتبناها علیهم » (یعنی چنین دستوری نداده بودیم) بیان میفرماید ، ضررهای فردی و اجتماعی آن بقدری روشن و واضح بود ، که فرقه « پروتستانت » که دسته روشنفکر و پیشرو آئین مسیح است ، اساس رهبانیت (تجرد) را الغاء نمود و به کشیشان و پدران روحانی اجازه داد که ازدواج کنند .

علاوه بر گواه عقلی و محاسبات گذشته ، اسناد زنده تاریخی گواهی میدهد که رهبانیت ساخته قرون بعدیست و مسیح از چنین راه و رسم بی خبر است ، و خدمات اجتماعی ، تعلیم و تربیت ، عبادت و ... پرستاری در گرو تشکیل دیر و صومعه ، تجرد و ترک ازدواج نیست .

دائرة المعارف د لاروس ، از کشیش بزرگ بنام « تیر توتیان » که در قرن سوم میلادی میزیسته چنین نقل میکند : آئین مسیح به آئین برهما و گوشه گیران هند ، ارتباطی ندارد ماهر گز از مردم جدا نبوده ، و به جنگلها پناه نمیبریم ، ما و شما در یک نقطه زندگی میکنیم و در بازار و مجمع عمومی به داد و ستد اشتغال میورزیم ، برای بدست آوردن سود مادی و اصلاح جامعه ، سفرهای دریائی مینمائیم ، و در این راه از هیچ تلاشی شانه خالی نمیکنیم (۲) (ادامه دارد)

(۱) تاریخ ویل دوران ج ۱۱ ص ۴۰۵

(۲) دائرة المعارف وجدی ماده رهب ،